

نقش انتظار در ایجاد سنخیت میان شیعیان با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف و تحقق جامعه مهدوی از دیدگاه آیت الله ناصری رحمته الله

عذرا جعفری موحد*

چکیده

بی تردید انتظار از مهم‌ترین وظایف شیعیان در زمان غیبت و زمینه‌ساز ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف است، اما تبیین نشدن دقیق معنای انتظار و نگاه کاربردی به آن در تحقق جامعه مهدوی سبب مغفول ماندن جنبه‌های اثرگذاری آن در زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌شود؛ از این رو پژوهش مستقل در این زمینه ضروری می‌نماید. در این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی به نگارش درآمده است، معنای انتظار براساس منظومه فکری آیت الله ناصری رحمته الله تبیین و نقش آن در ایجاد سنخیت بین انسان‌ها و حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف و تحقق جامعه مهدوی بیان شده است؛ بر این اساس سؤال پژوهش آن است که بنابر سیره و اندیشه آیت الله ناصری چگونه انتظار می‌تواند بین امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف و شیعیان سنخیت ایجاد کند و زمینه‌ساز تحقق جامعه مهدوی و ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف شود؟ براساس منظومه فکری آیت الله ناصری، مهم‌ترین مانع ظهور، گناهان شیعیان و نداشتن قابلیت و آمادگی روحی برای همراهی با امام در حاکم کردن اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله در سراسر جهان است؛ برای رفع این مانع انسان منتظر باید در جهت ایجاد سنخیت علمی و عملی با امام خود و آرمان‌های او برآید. سنخیت با امام درحوزه نظری با کسب معرفت در موضوعات خودشناسی، خدانشناسی و امام‌شناسی و در حوزه عملی با توحیدمحوری و مبارزه با نفس و کسب تقوا به وسیله ترک نواهی و انجام اوامر الهی به دست می‌آید. در مرحله

* مدرس جامعه الزهراء عجل الله تعالی فرجه الشريف قم: jafarimovahed97@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۷



بعدی آثار این اصلاح درونی در جامعه ظاهر شده، به اصلاح بیرونی می‌انجامد؛ در نتیجه نمونه کوچکی از جامعه مهدوی و جامعه‌ای ایجاد خواهد شد که تاب تحمل و قابلیت ظهور انسان کامل و فضایل او را دارد که خود، مهم‌ترین زمینه ظهور حضرت حجت علیه السلام است.

کلیدواژه‌ها: جامعه مهدوی، حضرت ولی عصر علیه السلام، انتظار، شیعیان، آیت الله ناصری.

مقدمه

خداوند متعال براساس فیاضیت و لطف خود انسان را آفرید که به لحاظ ظرفیت فراگیری، رشد و کمال بی‌نهایت است و برای رساندن او به کمال نهایی دو نبی و حجت را قرار داد: الف) نبی باطنی: عقل؛ ب) نبی ظاهری: راهنمایان الهی. این مسیر با نخستین پیامبری که قدم در این عالم مادی گذاشت، آغاز و به آخرین ذخیره او، حضرت ولی عصر علیه السلام، خاتمه می‌یابد. روشن است که رشد و ترقی راهی تدریجی بوده، از راه اسباب و علل انجام می‌گیرد و انسان‌ها به شرطی افتخار همراهی با امام در عصر ظهور را خواهند داشت که از پیش‌تر، خود را رشد داده باشند. آموزه «انتظار» در واقع استراتژی و برنامه راهبردی اسلام جهت آماده شدن انسان‌ها برای ظهور حضرت حجت علیه السلام است. عالمان بزرگ شیعی با تبیین درست این آموزه، مسیر زمینه‌سازی ظهور را نشان داده‌اند. آیت الله محمدعلی ناصری (۱۳۰۹-۱۴۰۱ ش) یکی از عالمان مخلص شیعه، عاشق و شیفته امام زمان علیه السلام بودند که در درس‌ها و آثارشان آموزه «انتظار» را براساس مبانی اصیل اسلامی تبیین کرده‌اند. نویسنده در نوشتار پیش‌رو می‌کوشد براساس منظومه فکری مرحوم آیت الله محمدعلی ناصری به این پرسش پاسخ دهد که نقش انتظار در ایجاد سنخیت میان انسان‌ها با حضرت ولی عصر علیه السلام و تحقق جامعه مهدوی چیست؟

با واکاوی آثار مرحوم آیت الله ناصری، توجه و محبت خاص ایشان به حضرت حجت علیه السلام کاملاً مشهود است؛ به گونه‌ای که بیشتر جلسات معرفتی-اخلاقی او به کلامی در مورد توجه به حضرت، چگونگی قرب و انس و سنخیت با ایشان و... ختم شده است. از مجموع سخنان گهربار ایشان که در کتاب‌ها، گفتارها و مقالات نشر یافته است، می‌توان یک چارچوب تئوریک و یک راهبرد مبتنی بر آن در مورد چگونگی تحقق جامعه مهدوی از راه آموزه انتظار استخراج کرد. ایشان در بُعد تئوریک و نظری، کسب معرفت را در سه حوزه زیر وظیفه انسان منتظر حضرت ولی عصر علیه السلام می‌داند:



◀ خودشناسی: شناخت انسان از مبدأ، مقصد، ابعاد وجودی و جایگاه خود در عالم، استعدادها و توانمندی‌ها، عوامل تعالی و سقوط، کمال نهایی و راه رسیدن به آن؛
 ▶ خداشناسی: شناخت خداوند به عنوان *علی‌العلل و تنها فاعل و خالق مستقل و بی‌نیاز هستی*؛

◀ امام‌شناسی: شناخت راهنمایان راه کمال نهایی انسان و تقرب الهی.

◀ پس تلاش برای تحصیل معارف یادشده سبب سنخیت علمی با حضرت حجت علیه السلام خواهد شد.

در بعد عملی و راهبردی، از آنجا که کلید عشق برتر به خداوند معرفت است (ر.ک: بقره: ۱۶۵)؛ در پرتو کسب این معارف و محبتی که از راه آن ایجاد شده است، یک نظام عملیاتی و راهبردی برای عبودیت و بندگی حضرت حق به عنوان وظیفه عملی فرد منتظر برای سنخیت عملی با امام خود ترسیم می‌کند که مبتنی بر توحیدمحوری، تقوای محوری و کنترل نفس از راه هدایت قوه خیال به سوی عقل می‌باشد که حیطة نورانی الهی و مصون از خطاست. به هر میزانی که قوه عاقله انسان رشد یابد، به همان میزان عبودیت او بیشتر می‌شود.^۱

ایشان کارکرد انتظار در زمینه‌سازی ظهور از راه ایجاد سنخیت و معیت شیعیان با امام زمان علیه السلام و در نتیجه کسب قابلیت برای ظهور حضرت حجت علیه السلام را در چارچوب نظام یادشده تبیین کرده‌اند که تفصیل آن بیان می‌شود.

با وجود انعکاس گسترده مسئله انتظار در منابع روایی شیعه به دلیل نگرش‌های متفاوت در مورد مفاد و ماهیت این آموزه دینی و اعتقادی، هنوز هم برخی از زوایای این بحث به ویژه جنبه‌های کاربردی و سازوکارهای عملیاتی شدن آن به خوبی شکافته نشده است؛ از این رو پژوهش‌های مستقل درباره کارکرد انتظار و الزامات عملی آن در زمینه‌سازی ظهور با استفاده از تبیین‌های عالمان اصیل اسلامی شیعی ضروری می‌نماید.

آموزه انتظار در پژوهش‌های مباحث مهدویت به صورت مستقل و غیرمستقل بررسی شده، و آثار مکتوب در این زمینه فراوان است؛ از جمله کتاب مهدویت اثر آیت الله صافی گلپایگانی که آموزه انتظار را در ضمن مباحث مهدویت تبیین می‌نماید و کتاب *انتظار*، باید و نبایدها نیز اثری از ابراهیم شفیعی سروستانی (-۱۳۴۳) است که به‌طور خاص به بحث انتظار و

۱. «العقل ما عیب به الرحمن».



وظایف منتظران می‌پردازد؛ اما همان‌طور که اشاره شد، پژوهش مستقل در مورد کارکرد انتظار در زمینه‌سازی ظهور از راه ایجاد سنخیت بین شیعیان با امام زمان علیه السلام در بین آثار مکتوب چندان به چشم نمی‌خورد.

نویسنده در این پژوهش پس از بیان دیدگاه‌ها در مورد انتظار و تبیین دیدگاه درست به تبیین چارچوب نظری و عملی نظام فکری آیت‌الله ناصر علیه السلام درباره چگونگی تأثیر آموزه انتظار در ایجاد سنخیت و تحقق جامعه مهدوی می‌پردازد.

مفهوم‌شناسی

۱. انتظار

«انتظار» مصدر باب افتعال از ماده «نظر» و در لغت به معنای توقف و مهلت برای کسی است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۵، ۲۱۶). اهل لغت امیدواری، چشم به راه بودن، نوعی امید داشتن به آینده را نیز بیان کرده‌اند (مصطفوی، ۱۳۸۵: ج ۱۲، ۱۸۴ و فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱۸۳).

انتظار در اصطلاح کلام شیعی به معنای امیدواری و چشم به راه بودن حکومت حق و عدل آخرین جانشین و سلاله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امام مهدی علیه السلام است (مجلسی، ۱۳۸۱: ۹۱۴).

۲. سنخیت

سنخیت از ریشه «سنخ» به معنای اصل، بن و پایه هر چیزی است؛ چنان‌که حدیث شریف «التقوی سنخ الایمان» بیانگر آن است که تقوا اصل و ریشه ایمان است (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲، ۴۳۵ و زبیدی، ۱۳۸۷: ج ۴، ۲۷۹).

پس اهل لغت واژه سنخیت را در این معنا به کار بردند که چیزی اصل دیگری و دیگری فرع این اصل است، پس باید مشابه و هم‌ریشه با اصل باشد.

در اصطلاح فلسفه اسلامی، سنخیت به این معناست که از علت معین، معلوم معین صادر و معلول معین از علت معین صادر می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۶۸: ۵۱۰)؛ یعنی هر معلولی از هر علتی به وجود نمی‌آید، بلکه مناسبتی میان حقیقت و رقیقت وجود دارد؛ زیرا علت، اصل و حقیقت معلول بوده، و کمالات وجود او را به نحو اتم و اکمل داراست؛ براین اساس میان آنها مسانخت وجودی حاکم می‌باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ج ۲، ۶۶).



در این نوشتار «سنخیت» به معنای مشابهت و تناسب با حضرت حجت علیه السلام به کار رفته است.

۳. دیدگاه‌ها درباره ظهور

در مورد آموزه انتظار و زمینه سازی آن برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه نخست که با عناوین انتظار خاموش، منفعلانه و تکلیف‌گریز بیان می‌گردد، دیدگاه گروهی است که حوادث جهان را مانند یک دُمل می‌دانند که باید به مرحله انفجار برسد؛ این افراد انتظار را به معنای دست روی دست گذاشتن، ترک تکالیف و بلکه همکاری در مسیر افزایش فساد و ظلم برای زیور و شدن جهان و وقوع انقلاب مهدی علیه السلام می‌دانند (مطهری، ۱۳۷۲: ج ۱۸، ۱۷۸).

در مقابل دیدگاه نخست بیشتر اندیشمندان اسلامی بر اساس آیات و روایات معتقد به انتظار زمینه‌ساز هستند و اساساً انتظار بدون توجه به سازوکارها و اقدامات زمینه‌ساز را نامعقول می‌دانند؛ بدین ترتیب برای تحقق ظهور باید دنیا به مرحله‌ای از تکامل برسد که قابلیت ظهور امام را داشته باشد، باید افراد شایسته‌ای تربیت شوند که امام با کمک آنها حکومت عدل جهانی را تشکیل دهد (مطهری، ۱۳۷۲: ج ۱۸، ۱۷۸)؛ زیرا «ظهور» پدیده‌ای عادی و در چارچوب نظام علی و معلولی عالم است. پس باید مردم از سر شعور و آگاهی و با میل و انتخاب خود، اهمیت و ضرورت ظهور حضرت حجت علیه السلام را درک و برای تحقق آن برنامه‌ریزی و تلاش کنند.

با نگاه دقیق به متون روایی، جایی برای نگرش منفعلانه به ظهور باقی نمی‌ماند که حاصل نگاه سطحی به مفاد برخی از روایات و خلط زمینه‌های ظهور با نشانه‌های آن باشد؛ زیرا نخست آنکه متون روایی حضرت مهدی علیه السلام را ریشه‌کن‌کننده ظلم و رذایل دیگر معرفی می‌کند؛ پس روشن است که راه رسیدن به این مقصود مقدس نیز باید درست و پاک باشد؛ پس از راه دست روی دست گذاشتن و یا اشاعه ظلم نمی‌توان به منجی دادگر رسید. دوم اینکه بر اساس متون روایی، انتظار صرفاً یک حالت روحی و روانی نیست، بلکه حالت روحی است که به عمل می‌انجامد. پس در روایات به «عمل» و «بهترین عمل» تعبیر شده است؛ چنان‌که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «أفضل أعمال أمتی انتظار الفرج من الله عزوجل؛ برترین عمل امت من، انتظار فرج از جانب خدای بلندمرتبه است» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۸، ۳۷۷).

روایت معروف دیگری از پیامبر عظیم‌الشان اسلام نقل شده است که: «أفضل الاعمال أحمزها؛ برترین اعمال سخت‌ترین آنهاست» (ایجی، ۱۳۲۵: ج ۸، ۲۸۵ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷،



۱۹۱؛) با تأمل در روایات یادشده به دست می‌آید که انتظار بهترین عمل و از جمله دشوارترین تکالیف شرعی است و برتری آن در سخت بودن انجام آن و بُعد عملی، یعنی وظایف منتظران نهفته می‌باشد.

آیت‌الله ناصری نیز نگرش منفعلانه را مفهومی گمراه‌کننده و بسیار خطرناک می‌داند که بهره آن تنها نصیب قدرتمندان حاکم بر جوامع می‌شود؛ زیرا معتقدان به این دیدگاه، هیچ دخالتی در مسائل اجتماعی نخواهند داشت و از این رو به آسانی می‌توان همه بهره‌های آن از جامعه را سلب و به نفع خود به کار گرفت. در نتیجه مفهوم حرکت‌آفرین و مکتب‌ساز «انتظار» که می‌تواند به بزرگ‌ترین حرکت‌های اجتماعی و برترین تغییرات جمعی بینجامد، گاه وسیله‌ای برای تخدیر و سکون معتقدان به این موضوع قرار گرفته است (ناصری، ۱۳۸۸ ج: ۱۲-۱۶)؛ در حالی که در نگرش فعالانه به انتظار، منتظران به جایگاه امام در هستی علم دارند و آرمان‌هایشان با آرمان‌های امامشان سنخیت دارد و در صفات و فضایل انسانی نیز شبیه امام خود هستند و حیات کنونی را ظرف تلاش برای آینده نیکو می‌دانند. زندگی انسان منتظر در عرصه اعتقادی و عملی صبغه الهی می‌یابد و انتظار محرک و سوق‌دهنده او به جهت مناسب و سازگار با اصل حیات اوست؛ پس بر مبنای تکلیف و وظیفه فقهی به طور بالنده و پویا برای دستیابی به آرمان‌های محقق نشده فردی و اجتماعی خود تلاش می‌کند. چنان‌که قرآن می‌فرماید حضرت یعقوب منتظر حضرت یوسف بود، اما بی‌کار ننشست و به فرزندانش گفت: «ای پسران من! بروید از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا نومید مباشید» (یوسف: ۸۷).

آیت‌الله ناصری «مسئله انتظار» را از مباحث کاربردی اسلام می‌داند که در چگونگی زندگی فردی و جمعی انسان منتظر نقش ویژه‌ای برعهده دارد؛ زیرا زندگی منتظرانه باید عرصه ظهور و بروز سه مؤلفه مفهوم انتظار باشد: مؤلفه نخست، نارضایتی از وضعیت موجود است که برای تحقق آن انسان باید به وضعیت موجود و وضعیت بعد از ظهور بعد از ظهور امام مهدی علیه السلام معرفت داشته باشد. وضعیت موجود را با عظمت و شأن انسان و مقام خلیفه‌اللهی او بسنجد و به نامتناسب بودن این وضعیت با کمال انسان علم یابد؛ مؤلفه دوم، امید به آینده بهتر با تحقق وعده الهی در حاکمیت دین خدا بر سراسر زمین و مؤلفه سوم که نتیجه دو مؤلفه پیشین است، تلاش برای زمینه‌سازی تحقق وضعیت ایده‌آل و پایداری در این مسیر تا رسیدن به مطلوب می‌باشد. بر این اساس از نظر ایشان منتظر واقعی پیوسته در حال آماده‌باش برای



تغییر وضعیت موجود است؛ پس مهم‌ترین تأثیر انتظار ایجاد سنخیت با مطلوب فرد منتظر است، مانند اینکه سلامتی وضعیتی می‌باشد که روح انسان بیمار با آن سنخیت دارد؛ از این رو ناخودآگاه هر لحظه در طلب آن است (ناصری، ۱۳۸۵: ۲۳۶، ۲۴۹، ۲۵۰ و ۲۵۳).

پس وظیفه‌ای که فرد منتظر در جهت زمینه‌سازی ظهور برعهده دارد و در دل انجام این وظیفه عمل به وظایف دیگر نیز محقق می‌شود؛ مشابَهت با یاران حضرت ولی عصر عجل الله فرجه (پدیدآورندگان وضعیت نوین) و تلاش برای سنخیت یافتن با امام و آرمان‌های او و درحقیقت زمینه‌ساز عمل به همه وظایف است (ر.ک: ناصری، ۱۳۸۸: ج ۱۲-۱۶).

ایشان بنابر آیات و روایات معتقد است که انسان منتظر با عدم سنخیت و نارضایتی از وضعیت موجود در تلاش است با وضعیت ممکن بعدی سنخیت یابد؛ اینکه سنخیت با وضعیت مطلوب چه ابعادی دارد؟ و چگونه آموزه انتظار به ایجاد سنخیت و تشکیل جامعه مهدوی و مهیا برای ظهور حضرت حجت عجل الله فرجه می‌انجامد؛ بحثی است که در این بخش بدان پرداخته می‌شود.

ابعاد سنخیت

انسان کامل در هر دو بعد علمی و عملی در کامل‌ترین مرحله ممکن قرار دارد. یاران امام عصر عجل الله فرجه برای نزدیک شدن به امام و از طریق ایشان برای قرب به خدا به عنوان مبدأ هستی بخش عالم باید در مسیر تشبّه و سنخیت با امام در عرصه علمی و عملی تلاش کنند. از دیدگاه آیت الله ناصری یکی از دلایل ارزشمند انتظار این است که شخص منتظر در انتظار ظهور مهدی فاطمه علیها السلام تحقق همه خوبی‌ها در عالم و برای همه مخلوقات را در جان خود می‌پرورد. انسان منتظر در اثر این انتظار ارزشی والا می‌یابد؛ ارزش و مقامی که در اثر آن، همراه و همگام اولیای الهی از خاتم پیامبران صلی الله علیهم و آله و سلم تا خاتم اوصیاء، هم‌رتبه شهدای بدر و احد^۲ (با ایشان سنخیت می‌یابد) و مانند کسی است که تمام عمر به روزه‌داری و تهجد می‌پردازد^۳ (همان).

۱. قال رسول الله صلی الله علیهم و آله و سلم: «هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ، ثُمَّ سَكَتَ هَنِيئَةً ثُمَّ قَالَ: هُوَ كَمَنْ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۲۵).

۲. قال الباقر علیه السلام: «اعلموا! أَنَّ الْمُنْتَظِرَ لِهَذَا الْأَمْرِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۲۲۲).

۳. قال علی بن الحسین علیه السلام: «مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ وَلَا يَتَنَا فِي غَيْبِهِ غَايِبًا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَأَحَدٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۲۵).



سنخیت علمی و چگونگی ایجاد آن

آیت‌الله ناصری رحمته‌الله در حوزه نظری، کسب معرفت در سه حوزه خودشناسی، خداشناسی و راهنماشناسی را وظیفه منتظرِ حضرت ولی عصر علیه‌السلام و اساساً یکی از دلایل برتری ایمان انسان‌های آخرالزمان در متکی بودن ایمان آنها بر علم می‌دانند (نم‌افزار آیت‌الله ناصری: گفتارها، فضیلت انتظار).

در کتاب‌های اعتقادی و اخلاقی در مورد خودشناسی، خداشناسی و امام‌شناسی مفصل سخن گفته شده، در این مجال مختصر اشاره کوتاهی به این معارف از جهت ایجاد سنخیت با امام زمان علیه‌السلام خواهیم داشت. امام به عنوان انسان کامل، والاترین و کامل‌ترین مراتب خودشناسی و خداشناسی را داراست، منتظر واقعی نیز باید در این بعد، ذره‌ای مشابهت به امام خود بیابد؛ زیرا بدون سنخیت علمی، سنخیت عملی محقق نخواهد شد.

امام باقر و امام صادق علیه‌السلام از امام علی علیه‌السلام در توصیف یاران امام مهدی علیه‌السلام می‌فرمایند: در توصیف یاران امام مهدی علیه‌السلام است: «... رِجَالٌ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ، وَ هُمْ أَنْصَارُ الْمُهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ» (نیلی نجفی، ۱۳۶۰: ۴۴).

سنخیت در بعد علمی از خودشناسی آغاز می‌شود؛ خودشناسی مقدمه خداشناسی است، چنان‌که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: من عرف نفسه فقد عرف ربه (محمدی ری شهری، ۱۴۳۳ق: ج ۳، ۱۸۷۷).

منظور از شناخت خود، شناخت جایگاه انسان در جهان، مبدأ، مقصد او و راه او برای رسیدن به مقصد است. انسان با شناخت خویش به عمق فقر وجودی و وابستگی خود به خدا پی می‌برد و به اطاعت از خدا و بندگی او متمایل می‌شود (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۱۱۶ و ناصری، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۵). بندگی انسان با شناخت انسان کامل و اتصال به او و قرارگفتن زیر ولایت وی محقق می‌شود. امام انسان کامل و خلیفه خداوند در این عالم است و در نتیجه قرب وجودی کامل به خداوند، کامل‌ترین ولایت را داراست؛ از این رو هرچه انسان به امام نزدیک شود، به خدا نزدیک‌تر خواهد شد (ناصری، ۱۳۸۵: ۱۱۹-۱۲۱). پس امام‌شناسی نیز مقدمه خداشناسی است؛ چنان‌که پیامبر گرامی اسلام خطاب به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمود: لا یعرف الله الا بسبیل معرفتکم (الصفار القمی، بی‌تا: ج ۱، ۴۹۷).

معرفت به خداوند و ولی او موجب محبت به آنها و محبت نیز پیروی از آنها را به همراه



خواهد داشت، اما چه نوع معرفتی سبب محبت و تبعیت می شود؟ آیت الله ناصری در پاسخ این سؤال به روایت ابونصر از امام حسن عسکری علیه السلام استناد کرده، می گوید: در این روایت و همانند آن، حضرت مسیر معرفت امام را مشخص می کند و گویی می فرماید: باید جایگاه امام در مجموعه نظام هستی شناخته گردد و رابطه امام با پیامبر و نبوت درک شود. پیمودن جاده انتظار بدون شناخت امام منتظر ممکن نیست. استقامت در وادی انتظار وابسته به درک درست از پیشوای موعود است (ناصری، ۱۳۸۸ ج: ۱۲-۱۶). شیعه ای که به جایگاه امام و ولی خویش در هستی، سیره و صفات او علم دارد و محرومیت های عدم ظهور او را می داند؛ در انتظار امام، خود را وقف تحقق آرمان ها می کند و خلق و خوی خود را مطابق خواسته امام تغییر می دهد (نرم افزار آیت الله ناصری، گفتارها، امام زمان علیه السلام، آداب انتظار).

پس انسان با شناخت جایگاه امام و ویژگی های او متوجه وابستگی به امام در همه ابعاد زندگی خود می شود. آیت الله ناصری بنا بر تفسیر آیه ۳۰ سوره ملک، امام زمان علیه السلام را مثل آب حیات می داند که مایه حیات جمیع موجودات است (ناصری، ۱۳۹۲: ۶-۱۰). خداوند به وسیله انسان کامل مسیر حرکت را به آدمی آموخت و اگر او از امام فاصله گیرد؛ در واقع از خداوند دور شده است و عبادت و اطاعتش از خداوند نیز نتیجه ای نخواهد داشت (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۶۰۹-۶۱۷). توجه همیشگی به امام در حقیقت هدف انسان (قرب به خدای یکتا) را ثابت می کند و از گسستگی و تغییر مسیر او جلوگیری می کند که بزرگ ترین مانع رشد انسان است. ثابت بودن هدف انسان و پایداری در مسیر آن شرط رسیدن به نتیجه است (ر.ک: فصلت: ۳۰).

سنخیت عملی و چگونگی ایجاد آن

سنخیت عملی به معنای تشابه به امام و آرمان های او در حوزه رفتار است. از آنجا که در بعد عملی و راهبردی محبت و تبعیت از خداوند در سایه معرفت حاصل می شود، آیت الله ناصری علیه السلام در پرتو کسب سنخیت علمی با امام یک نظام عملیاتی و راهبردی برای عبودیت و بندگی حضرت حق به عنوان وظیفه عملی فرد منتظر ترسیم می کند که محوریت توحید و تقوا است (نرم افزار آیت الله ناصری: گفتارها، اسباب تقرب به امام زمان). هرچه انسان خودشناسی، امام شناسی و خداشناسی بیشتری داشته باشد؛ در عمل بهتر و آسان تر می تواند قلب را از غیر خدا، تطهیر و در بندگی او خالص گرداند و در نتیجه از وجود مقدس امام زمان علیه السلام بیشتر



بهره برد. هر اندازه معرفت انسان به زوایای گوناگون زندگی حجت الهی بیشتر باشد، آثار آن در بخش های گوناگون زندگی بیشتر خواهد بود. شناختی مفید است که به اقتدا به امام بینجامد و راه اقتدا همان تهذیب نفس است. هم سنخ شدن با امام و یاران و آرمان های او از راه عمل به شریعت (انجام اوامر الهی و ترک نواهی) محقق می شود (ناصری، ۱۳۹۱: ۲۵۱). بر اساس روایات برای همراهی و یاری امام باید شیعه واقعی شد. شیعه واقعی توحیدمحوری^۱، تقوامحوری و کنترل نفس را از راه هدایت قوه خیال به سوی عقل (رشد عقلانی) که حیطة نورانی الهی و مصون از خطاست، ملاک کارهای خود قرار می دهد (ناصری، ۱۳۹۳: ۲۰-۲۴).

در توحیدمحوری یاران حضرت مهدی علیه السلام آمده است: «فَهُمُ الَّذِينَ وَحَدُّوا اللَّهَ حَقَّ تَوْحِيدِهِ». ایشان به وحدانیت خداوند چنان اعتقاد دارند که حق وحدانیت اوست (کاظمی، ۱۴۲۸ق: ۲۲۰) و به توحید ناب دست یافته و حرم دل هایشان را بت های نفس نیالوده است. پس منتظران ظهور که آرزوی یاری امام خود را در ذهن می پروراند، باید در توحیدباوری و توحیدمحوری در مسیر یاران امام زمان علیه السلام گام بردارند.

دومین صفت یاران امام مهدی علیه السلام تقوامحوری است. امام دریای تقوا و ورع می باشد؛ محبوب ترین کارها نزد امام انجام واجبات دینی و ترک محرمات است که آن از بهترین لذت های زندگی است. انسان منتظر هر چه بیشتر مواظبت بر تقوا داشته باشد، سنخیت و معیت بیشتری با امام خود خواهد داشت (ناصری، ۱۳۸۸ الف: ۱۴-۱۸). امام صادق علیه السلام می فرماید: برای صاحب این امر غیبتی است. پس باید انسان ها در این زمان تقوا پیشه کنند و به دین خدا چنگ زنند (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۷).

ستردن رذایل از نفس و آرایش آن به فضایل و در یک سخن تهذیب نفس، تنها راه ورود به سلک منتظران است (نرم افزار آیت الله ناصری: گفتارها، صفات یاران امام)؛ زیرا کسی که نفسی مهذب داشته باشد، نه به آلودگی های دنیای مادی دل می بندد که از وضعیت پریشان ظلم و فساد موجود جهانی شادمان شود و نه دچار رکود می شود که برای پیدایش وضعیت مناسب اقدامی نکند؛ از این رو منتظران واقعی در والاترین سطح ممکن از تهذیب نفس قرار دارند (آیت الله ناصری، آب حیات، ص ۲۳۶).

تهذیب نفس خیال انسان را کنترل می کند و مانع از تسلط شیطان بر او می شود. انسان

۱. امام علی علیه السلام می فرماید: زمانی که قائم ما قیام کند، همه را بر یک مرام و عقیده جمع می کند (نعمانی، ۱۳۷۶: ۲۰۶).



برای رسیدن به آرامش روحی- روانی نیاز به تشخیص امور اصالی از امور اعتباری دارد که این امر در ضمن رشد خیال و وصل شدن آن به عقل امکان پذیر است. امام عقل کامل است، منتظر واقعی در سایه رشد عقلی متوجه ماهیت اعتباری دنیا است و گرفتار صفاتی مانند حرص و طمع نمی شود که نتیجه نگاه اصالی به دنیا است.

از دیدگاه آیت الله ناصری فرد و جامعه برای پذیرش امام باید با او سنخیت عملی داشته باشند. نور و ظلمت با هم تباین دارند، صفات رذیله ظلمت است و تا این ظلمت برطرف نشود، انسان نمی تواند با نور مطلق تماس پیدا کند (نرم افزار آیت الله ناصری: گفتارها، امام زمان و سنخیت برای تشریف).

پس برای سنخیت و معیت عملی با امام باید کارها بر محور توحید، یعنی نفی تأثیر استقلالی از غیر خدا، تقوا و ورع (مواظبت کامل بر دستورهای شریعت) و کنترل شهوت به معنای عام آن (رها کردن عنان خیال و دور شدن از وادی طغیان عقل) انجام پذیرد. آیت الله ناصری نتایج پیمودن این مسیر را با استناد به آیات و روایات بیان می کند. کمترین نتیجه آن این است که درون انسان به نور الهی روشن می شود و قدرت تشخیص درست از نادرست و حق از باطل را می یابد (ر.ک: ناصری، ۱۳۸۸ ب: ۱۴-۱۶)؛ در نتیجه در تراحم دنیا و آخرت به آسانی آخرت را برمی گزیند.

کارکرد انتظار در تحقق جامعه مهدوی

اندیشمندان اسلامی از جمله آیت الله ناصری بنابر آیات و روایات مانع اساسی برای غیبت امام را اخلاق و روحیات و آماده نبودن جامعه انسانی برای ظهور و حکومت آن حضرت و در نتیجه نبود تقاضا به اندازه کافی از سوی انسان ها می داند (ناصری، ۱۳۹۰: ۳۰-۳۴)؛ برای نمونه شیخ طوسی در کتاب تجرید الاعتقاد در این باره این گونه می گوید: «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه مئا» (حلی، ۱۳۸۸: اق: ۲۲۶).

براساس این گفتار علت عدم ظهور امام، خود مردم و سوء اعمال آنهاست. اگر شیعیان برای حکومت واحد جهانی- آن هم بر پایه توحید، فضیلت و اخلاق و عدل و داد و رعایت حقوق و احکام اسلامی- آمادگی پیدا کنند، به یقین او ظهور می کند؛ چنان که امام عصر عجل الله فرجه خود می فرماید: «اگر نبود گناهان شما و رفتارهایی که از خدا دورتان می کند، هر آینه دیدار ما نصیب شما می شد». همچنین امام زمان عجل الله فرجه در بخشی از نامه خود به شیخ مفید عجل الله فرجه می فرماید:





ای شیخ و ای برادر! اگر شیعه‌های ما قلب‌هایشان باهم بود و وفای عهد و پیمان می‌کردند، دیدار ما به تاخیر نمی‌افتاد.^۱

همان‌گونه که بیان شد، معرفت، محبت و پیروی از امام در پی یکدیگر و امری تشکیکی هستند؛ به این معنا که هر اندازه معرفت انسان به امام فزونی یابد، محبت به ایشان در وجودش شعله‌ور شده، و در پی آن، پیروی از امام بیشتر خواهد شد. جامعه مهدوی آن جامعه‌ای است که در آن، پیروی از امام و عمل براساس میل و خواسته امام به والاترین حد ممکن می‌رسد. در این جامعه انسان‌هایی مصلح با آمادگی روحی-روانی بالا تربیت می‌شوند که توان رویارویی با موانعی نهفته در طبیعت را دارند. روشن است که قدرت مصلح در سایه قرب به کانون قدرت افزایش و با دوری از این کانون کاهش می‌یابد. امام و یاران او، بندگان خالص خداوند هستند. انسان منتظر باید به تاسی از امام خود که بهترین بنده الهی است، به اصلاح درونی و بیرونی پردازد. با اصلاح نفس و نزدیک شدن به خداوند، دریافت‌ها و توانمندی‌های خود را افزایش دهد و با دور شدن از گناه، قابلیت‌های انسانی-الهی خود را بالفعل سازد و در نتیجه ظرفیت پذیرش حکومت انسان کامل را به دست آورد.

بنابراین راه نزدیک‌تر ظهور امام همان ایجاد سنخیت با امام و پیدایش شایستگی نفسانی برای میزبانی از حضرت است؛ بدین ترتیب مشخص می‌شود که منتظران واقعی در والاترین سطح ممکن از تهذیب نفس قرار دارند. از دیدگاه آیت‌الله ناصر بنده نمونه منتظر واقعی، امام صادق علیه السلام است که بنابر روایتی روزی مفضل بن عمر، ابوبصیر، ابان بن تغلب و سدیر (چهار تن از یاران ویژه حضرت صادق علیه السلام و از فداییان ولایت) به محضر آن حضرت می‌رسند و آن حضرت را در لباسی با آستین‌هایی تقریباً کوتاه و بدون یقه و سینه‌ای باز می‌یابند که بر روی خاک نشسته و به شدت گریه می‌کند و این سخنان را بر زبان می‌آورد: «ای سرور من! غیبت تو بر گرفتاری‌ها و ناراحتی‌های من افزوده است، گمان نکنم اشک چشمم خشک شود و ناله سینه‌ام فرو نشیند».

سدیر با دیدن این حالت، ناراحت می‌شود و از آن حضرت می‌پرسد: یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله! چه چیزی برای شما پیش آمده، که این‌گونه منقلب و ناراحت هستید؟ آن حضرت آهی



۱. قال مولانا الامام المهدي عليه السلام: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهْمُ اللهُ لَطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا، وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا، فَمَا يَحْسِنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِنْ نَكْرَهُهُ وَلَا تُؤَيِّرُهُ مِنْهُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۱۷۷ و طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۹۹).



می‌کشد و می‌فرماید: امروز صبح در کتاب جفر اکبر نظر می‌کردم که به مسائل مربوط به خاتم‌الأوصیاء رسیدم. دیدم این بزرگوار چه مقامی نزد حضرت حق دارند و چه اندازه غیبتشان طولانی می‌شود و چقدر باید ناراحتی اجتماعات را تحمل کنند، چقدر بندگان خدا از دین حق دست می‌شویند و از آن خارج می‌شوند. من از حالات آن حضرت در روزگار غیبت منقلب شدم و بی‌اختیار اشک چشمم جاری شده است (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۶۷).

آیت‌الله ناصری رحمته‌الله در تحلیل این حدیث می‌گوید: «اولاً از آنجا که آن حضرت با فرزند زاده بزرگوارشان سنخیت کامل دارند، در طلب رفع مشکلات ایشان هستند و ثانیاً چون در والاترین حدّ ممکن، پیراسته از آلودگی‌ها می‌باشند، نمی‌توانند به وضعیت موجود راضی باشند؛ پس بی‌اختیار در سلک منتظران آن حضرت قرار می‌گیرند و اشک از دیدگان‌شان جاری می‌شود (ناصری، ۱۳۸۵: ۲۳۷).

ایشان چگونگی تأثیر انتظار در ایجاد سنخیت را این‌گونه بیان می‌کند: وظیفه ما تشبّه به آن بزرگواران و پیمودن راه آنان است. ما باید در همه حال سرباز آماده آن حضرت و در خدمت او باشیم. این مسئله را آیه ۲۰۰ سوره آل‌عمران چنین بیان می‌کند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صبر کنید و یکدیگر را به صبر وادارید و مرابطه نمایید و تقوا و خداترسی را پیشه سازید؛ باشد که رستگار شوید. ایشان تهذیب نفس را تنها راه قرار گرفتن در شمار منتظران می‌داند و معتقد است؛ هرچه منتظران آن حضرت بیشتر به تزکیه نفس بپردازند، بیشتر می‌توانند خود را «منتظر» بدانند و آمادگی بیشتری برای ظهور آن حضرت خواهند داشت. اخلاص در عمل در این میان نقش بسزایی دارد. اگر هر یک از منتظران ثواب هزار تن از شهدای بدر را در کارنامه خود دارند، روشن است که باید با آنان و اخلاصی که در تقویت اسلام از خود بروز دادند، سنخیت داشته باشند؛ از این‌رو اصلاح نفس و تحصیل اخلاص در عمل مهم‌ترین وظیفه منتظران در زمان غیبت است (همان: ۲۴۳).

پس راه سنخیت با امام رعایت تقوا است. تقوا در شرع به معنای خویشتن‌داری انسان از مخالفت با حق است؛ یعنی انسان خود را از ترک واجبات و به‌جا آوردن محرمات بازدارد. تقوا از وقایه است؛ یعنی نگه‌داری. پس تقوا، یعنی عمل کردن براساس ضوابط الهی و فرمانبردار حق بودن در جمیع رفتارها و کردارها؛ به‌گونه‌ای که هیچ اراده و خواسته‌ای برخلاف اراده و خواسته الهی نباشد. هرچه مولا می‌گوید، بنده انجام دهد (نرم‌افزار آیت‌الله ناصری: مقالات، آزادی در سایه تقوا).



بر این اساس امام صادق علیه السلام در روایتی ویژگی‌های کلی کسانی را که می‌خواهند از یاران امام زمان علیه السلام باشند، چنین بیان می‌فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ؛ هر کس خوشحال می‌شود و دوست دارد که در شمار یاران حضرت مهدی علیه السلام باشد، باید سه ویژگی داشته باشد: منتظر بودن، عمل با ورع و داشتن اخلاق نیکو» (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰۰).

در واقع انتظار حقیقی در مسیر ایجاد سنخیت با امام و یاران او، انسان را به مرحله والایی از تقوا (ورع) می‌رساند. امام علی علیه السلام درباره ورع فرمود: «الْوَرَعُ الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبْهَةِ؛ ورع و پرهیزگاری توقف در برابر شبهات است» (آل‌غازی، ۱۳۸۲ق: ج ۳، ۵۵).

برخی از عالمان با توجه به این روایت و همانند آن معتقدند انسان متقی کسی است که از گناه و حرام یقینی بپرهیزد، اما بالاتر از مقام تقوا ورع است؛ زیرا در مقام ورع نه تنها باید از گناهان اجتناب کرد و عامل به واجبات بود، بلکه از شبهات و حتی گاهی از کارهای حلال و مباحی نیز که ممکن است مقدمه ورود در حرام باشد، باید دوری گزید (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۶۸).

بر این اساس کسی می‌تواند زمینه‌ساز ظهور و یار امام باشد که مسیر رشد معنوی را پیموده است. آیت‌الله ناصری علیه السلام با بیان اینکه راه ایجاد سنخیت عمل به شریعت است، مراتب رشد معنوی را اسلام، ایمان، عبودیت و زهد می‌داند. ایشان «ورع» را که ترک مکروهات و انجام مستحبات، افزون بر انجام واجب و ترک حرام است، مرحله عبودیت انسان و بی‌اعتنایی به دنیا و دل‌ن بستن به آن را مرحله زهد می‌داند (نرم‌افزار آیت‌الله ناصری: گفتارها، ولایت). ایشان هدف نهایی تکامل انسان را «استقرار در امر الهی» می‌داند که اهل بیت عصمت و طهارت به این مرتبه رسیدند و معتقدند بندگان خاص الهی نیز با پیروی از اهل بیت علیهم السلام به مراتبی از این سیر دست می‌یابند (همان: گفتارها: توجه، نفی خواطر و تقوا). نتیجه و ثمره تقوا اختصاص به فرد ندارد، بلکه تقوا ضابطه‌ای است که سبب حیات جامعه و بقای حیات انسانیت می‌شود. اگر تقوا رعایت شود، اجتماع از همه پلیدی‌ها درامان می‌ماند. شرع مقدس که این همه به تقوا سفارش کرده، می‌خواهد مصونیت اجتماعی ایجاد کند (ناصری، ۱۳۸۸الف: ۱۴-۱۸).

همچنین در سایه تقوا شهوت دنیاخواهی افراد کنترل می‌شود؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ مَلَكَ شَهْوَتَهُ كَانَ تَقِيًّا؛ هر کس که جلو شهوتش را بگیرد، متقی است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ج ۱، ۲۷۴). این افراد دیگران را در برخورداری از مواهب و نعمت‌های دنیایی بر خود

مقدم می‌دارند و در مسیر کسب رضایت ولی خدا بر یکدیگر سبقت می‌گیرند.

بر این اساس مشخص می‌شود که جامعه آماده ظهور، جامعه‌ای متشکل از افراد باتقوا و خویشتن‌دار است. خودنگهداری تنها در پرتو مبارزه با نفس (جهاد اکبر) محقق می‌شود. آیت‌الله ناصری در تبیین جهاد اکبر، آن را از چند جهت برتر از جهاد اصغر (جهاد در میدان جنگ) می‌داند: نخست اینکه جهاد با کفار موقت است و آتش بس دارد، اما جهاد با نفس همیشه و هر شب و روز هست و آتش بس ندارد؛ دوم اینکه در جهاد اصغر عده‌ای در خط مقدم و گروهی در پشت خط هستند و هر دو گروه مجاهد به شمار می‌روند، اما در مبارزه با نفس به شرطی مجاهد هستی که همیشه در خط مقدم بایستی و مبارزه کنی و سوم اینکه مقامی که انسان با جهاد اکبر به آن می‌رسد، بنابر آیات ۲۷-۳۰ سوره فجر بسیار والاتر از مقام شهادت است که با جهاد اصغر به آن می‌رسد (نرم‌افزار آیت‌الله ناصری: گفتارها، جهاد اکبر).

منتظر واقعی برای کسب سنخیت با امام خود پیوسته در خط مقدم مبارزه با نفس است؛ از این رو می‌تواند در زمان غیبت بر ولایت ائمه علیهم‌السلام ثابت قدم بماند و ثواب هزار شهید از شهدای بدر و احد را به دست آورد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۱۵۲).

افراد باتقوا می‌توانند در مسیر آرمان‌های امام گام بردارند. آرمان مهم امام زمان علیه‌السلام در یک کلام، تکامل عقلانی مردم و زدودن رذایل و جایگزینی آنها با فضایل است؛ برای مثال ظلم در تمام ابعاد فردی و اجتماعی آن رخت برمی‌بندد و عدالت در تمام ابعاد آن اعم از فردی و اجتماعی جایگزین آن می‌شود. امر ظهور و زمینه‌های آن در چارچوب نظام علی و معلولی عالم و از راه طبیعی و عادی محقق خواهد شد و قرار نیست آرمان‌های امام با معجزه به دست آید؛ از این رو نقش انسان‌ها در پشتیبانی و یاری حضرت ولی عصر و جان‌فشانی در رکاب ایشان تا رسیدن به اهداف الهی آخرین حجت الهی در زمین بسیار پررنگ‌تر و به مراتب سخت‌تر از وظایف شیعیان در دوران ائمه پیش از ایشان است. انسان‌های منتظر باید در جهاد اکبر مبارزه با نفس پیروز شوند و نفس خود را از شهوات پاک کرده، برای پذیرش عدالت در تمام ابعاد آن آماده باشند؛ وگرنه شهوت دنیاخواهی در موقعیت حساس تصمیم‌گیری و پشتیبانی از امام علیه‌السلام مانع از تصمیم درست انسان خواهد شد.

همان‌طور که بیان شد، ثمره تقوا در اجتماع ظاهر می‌شود. منتظر امام زمان علیه‌السلام پس از خودسازی فردی با علم به اینکه برنامه آن حضرت یک برنامه جهانی است و باید یاوران



زیادی داشته باشد تا حرکتش پیروز شود؛ به دنبال اصلاح جامعه و گسترش یاران و منتظران آن حضرت است که براساس دستور قرآنی «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده: ۲) به کمک مؤمنان منتظر، خود را آماده ظهور حضرت نماید؛ زیرا اصلاحات بیرونی در پرتو اصلاحات درونی محقق خواهد شد. کسی که خود را اصلاح نکرده باشد، نمی‌تواند دیگران را اصلاح کند و در واقع اصلاح جامعه، انعکاس اصلاح فردی با بندگی الهی است.

نتیجه

آیت‌الله ناصری رحمته‌الله به عنوان اندیشمند صاحب‌نظر در عرصه مهدویت و عارف شیفته امام زمان عجل‌الله کارکرد انتظار در زمینه‌سازی ظهور را در قالب طرحی جامع ناظر به ابعاد نظری و عملی بیان کرده‌اند. براساس این طرح، منتظران واقعی ظهور که اجری به مراتب بیشتر از شهدای بدر و احد و همراهی با پیامبر را در کارنامه خود خواهند داشت، نخست باید خود را به سلاح علم و معارف عالی در حوزه‌های انسان‌شناسی، خداشناسی و راهنماشناسی تجهیز کنند؛ در مرحله بعدی تمام اعمال خود را بر محوریت توحید و نفی تأثیر استقلاللی از غیرخدا سامان دهند و با رعایت تقوا در میدان مبارزه با نفس و کنترل و حاکم شدن بر شهوات وارد شوند و در این مسیر پایداری کنند. با پیمودن این مسیر توسط افراد و اصلاح جامعه، نمونه کوچکی از جامعه مهدوی ایجاد خواهد شد. جامعه‌ای در عالم، توحیدباور و تقوامحور است که با همه وجود خواهان و تشنه امام است و برای آرمان‌های او ایستادگی می‌کند و تمام سختی‌ها را در این مسیر به جان می‌خرد. با توجه به اینکه افراد این جامعه در بعد علمی با امام سنخیت یافتند و به جایگاه امام و ضرورت حضور و ظهور، کمال اصلی انسان و بی‌ارزشی دنیا و زخارف آن علم دارند و از بعد عملی نیز در سایه رعایت تقوا با امام سنخیت یافته و بر شهوات خود حاکم شده‌اند، این افراد در یاری امام خویش به آسانی از خواسته‌های مادی و دنیایی خود می‌گذرند؛ به عبارت دیگر دنیا با تمام لذت‌ها و رنگ‌های خود نمی‌تواند ایشان را از امام خود جدا سازد.

تحقق نمونه کوچکی از جامعه مهدوی با حاکمیت فضایل در مرحله بعد می‌تواند زمینه‌ساز اقبال انسان‌ها به این جامعه و آشنایی با نمونه‌های عالی آن شود که همانا جامعه جهانی پس از ظهور خواهد بود و در نتیجه دنیا با معارف مهدوی آشنا و عطش تشکیل اجتماعی بر محور فضایل هر روز بیشتر گردد که به نوبه خود زمینه‌ساز ظهور حضرت حجت است؛ به نظر



می‌رسد یک جهت فرج در حدیث شریف «أَنَّ أَنْتَ أَنْتَظَرِ الْفَرَجَ مِنَ الْفَرَجِ» (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۳: ج ۵، ۳۶۶)، همین آشنایی ملت‌ها با معارف مهدوی و تشنگی آنها برای تشکیل جامعه مهدوی باشد.

منابع

* قرآن کریم.

۱. آل غازی، عبدالقادر، ۱۳۸۲ق، بیان المعانی، دمشق، مطبعة الترقی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۵ق، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه.
۳. ایجی، میرسید شریف، ۱۳۲۵ق، شرح المواقف، قم، الشریف الرضی.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶، تصنیف غررالحکم ودرر الکلم، تحقیق مصطفی درایتی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۳، دانشنامه امام مهدی علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ترجمه عبدالهادی مسعودی، قم، دارالحدیث.
۶. حلّی، حسن بن یوسف، ۱۳۸۸، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم، نشر اسلامی.
۷. سجادی، سید جعفر، ۱۳۷۳، فرهنگ معارف اسلامی، چ ۳، تهران، دانشگاه تهران.
۸. صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۳۹۱، سلسله مباحث امامت و مهدویت، قم، دفتر نشر آثار آیت الله صافی گلپایگانی.
۹. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، ۱۳۹۵ق، کمال الدین و تمام النعمه، چ ۲، تهران، اسلامیة.
۱۰. _____، ۱۴۱۳ق، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. الصفار القمی، محمد، بی تا، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، بی نا.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۶۸، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران، صدرا.
۱۳. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی.
۱۴. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرين، چ ۳، تهران، مکتبه المرتضویه.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۱ق، الغیبة للحجه، قم، دارالمعارف الاسلامیه.



۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۴ق، ترتیب کتاب العین، ترتیب محمدحسن بکایی، قم، اسوه.
۱۷. فیض کاشانی، محمدمحسن، ۱۴۰۶ق، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمومنین علی علیه السلام.
۱۸. کاظمی، مصطفی، ۱۴۲۸ق، بشارة الاسلام فی علامات المهدي، بیروت، مؤسسه البلاغ.
۱۹. لیثی واسطی، علی، ۱۳۷۶، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، قم، دارالحدیث.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۸۱، مهدی موعود، ترجمه علی دوانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. _____، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۲. محمدی ری شهری، محمد، ۱۴۳۳ق، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث.
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، آموزش فلسفه، قم، مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۲۴. مصطفوی، حسن، ۱۳۸۵، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران، نشر آثار علامه مصطفوی.
۲۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، مجموعه آثار (سیری در سیره ائمه اطهار)، قم، صدرا.
۲۶. ناصری، محمدعلی، ۱۳۸۵، آب حیات (مجموعه سخنرانی های آیت الله ناصری)، تهیه و تنظیم مجید هادی زاده، قم، خُلُق.
۲۷. _____، ۱۳۸۸ الف، «محو دلدار: آزادی در سایه تقوا» (برگرفته از سخنرانی آیت الله ناصری)، نشریه خُلُق، ش ۱۰، ص ۱۴-۱۸.
۲۸. _____، ۱۳۸۸ ب، «محو دلدار: لباس روح» (برگرفته از سخنرانی آیت الله ناصری)، نشریه خُلُق، ش ۱۲، ص ۱۴-۱۸.
۲۹. _____، ۱۳۸۸ ج، «محو دلدار: فرهنگ انتظار» (برگرفته از سخنرانی آیت الله ناصری)، نشریه خُلُق، ش ۱۵، ص ۱۲-۱۶.
۳۰. _____، ۱۳۹۰، «محو دلدار: علت تأخیر حضور» (برگرفته از سخنرانی آیت الله ناصری)، نشریه خُلُق، ش ۲۷، ص ۳۰-۳۴.
۳۱. _____، ۱۳۹۱، سخن دوست (سخنرانی های آیت الله ناصری در مورد امام زمان)، تحقیق و تنظیم سید حبیب حسینی زنانی، قم، دارالهدی.
۳۲. _____، ۱۳۹۲، «محو دلدار: اساس دین» (برگرفته از سخنرانی آیت الله ناصری)، نشریه خُلُق، ش ۳۷، ص ۶-۱۰.

۳۳. _____، ۱۳۹۳، «محو دلدار: پیرو راستین» (برگرفته از سخنرانی آیت الله ناصر)،
نشریه خُلق، ش ۴۵، ص ۲۰-۲۴.
۳۴. _____، ۱۳۹۴، «محو دلدار: خداشناسی» (برگرفته از سخنرانی آیت الله ناصر)،
نشریه خُلق، ش ۴۸، ص ۱۲-۱۵.
۳۵. نرم افزار اندرویدی آیت الله محمد علی ناصر.
۳۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۹۷، الغیبه، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، صدوق.
۳۷. نیلی نجفی، سید علی بن عبد الکریم، ۱۳۶۰، منتخب الأنوار المضيئة فی ذکر القائم الحجه عجل الله فرجه،
تحقیق عبد اللطیف حسینی کوه کمری، قم، چاپخانه خیام.



